



۲۰۱۵ / ۹ / ۳۰



نوشته: احمد فواد ارسلا

ماستری در مطالعات تحلیل استخباراتی

ماستری در مطالعات امنیت ملی/منطقوی

تمرکز در مطالعات آسیای جنوبی-مرکزی-خلیج عرب/فارس

## سیاست های ناکام اوباما و جان کری و بُرد

### پی در پی پوتین و روسیه با همکاری ایران

ناظرین اوضاع افغانستان از مدت زیادی است که متوجه و شاهد سیاست ناکام اوباما و جان کری در مسائل افغانستان بوده اند. اعلام قبل از وقت خروج عساکر بین المللی از افغانستان، گذاشتن مسائل افغانستان در اختیار پاکستان که خود عامل بوجود آورنده اکثر مشکلات بوده و است، و فشار آوردن برای تشکیل حکومت ضعیف مختلط در افغانستان بعد از انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان نشانه های بارز این سیاست نادرست و ناکام اوباما و جان کری در افغانستان بوده است. اما در سطرانج ستراتیژیک منطقه و بین المللی کشت دادن های متواتر اخیر پوتین با همکاری ایران، اوباما و جان کری را در موقعیت مات و شکست کامل سیاست خارجی امریکا در منطقه قرار داده است.



ظریف و جان کری



پوتین و اوباما

مهمتر از تمام اشتباهات اوباما و جان کری اشتباه تاریخی امضای معاهده اتمی است که ایران را در نهایت یک قدرت عسکری اتمی میسازد، و در قدم اول تعزیرات اقتصادی بر ایران را لغو میکند. با در نظر داشت نزدیکی روابط و اهداف ایران و روسیه در چند دهه گذشته و در جریان معضله اتمی، در حقیقت روسیه و ایران امریکا را در یک حالت شکست خورده قرار داده اند و معاهده ای را از مجبوریت بالای امریکا امضا کرده اند که از هر نظر به نفع ایران و روسیه تمام میشود. ممالک اروپایی برای منافع تجاری شان آرزوی جنجال زیاده تر با ایران و روسیه را ندارند و چین با نقشه ها و پلان های خاص منطقه ای و بین المللی خودش حاضر به دوام همکاری با امریکا در دوام تعزیرات نیست. در نتیجه امریکا و در ارتباط به آن ممالک عرب در منطقه خلیج عرب/فارس و همسایگان ایران یعنی افغانستان و ترکیه از نظر ستراتیژیک در موقعیت بسیار ضعیف قرار داده شده اند.

تحلیل های زیادی در مورد معاهده اتمی در امریکا و دنیا صورت گرفته است که نشان میدهد این معاهده از هر نظر به نفع ایران و روسیه و به نقص امریکا تمام شده و خواهد شد. یک تعدادی هم معاهده را از نظر ماهیت و اصل

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

دروغین آن تحلیل کرده اند، به صورت مثال حُلْمی خلیزاد در مقاله " ۴ خَلای حیاتِی معامله با ایران " ۴ نقص عمده معاهده اتمی با ایران را از نظر اصل و ماهیت و عده ها و مذاکره ایرانی ها توضیح داده است که خلاصه آن به قرار ذیل است:

۱. در مورد اصل مسئله نیت و قصد که ایرانی ها ادعا کرده اند نیت و مقاصد عسکری در انکشاف مواد اتمی ندارند و ادعا کرده اند که رهبر مذهبی ایران آیت الله خامنه ای بر ضد سلاح اتمی فتوی صادر کرده اند ؛ خلیزاد قبول این چنین ادعا را ساده بینی و خوشباوری میدانند. بعد از اینکه دلایل سیاسی و عسکری ایران را برای ضرورت داشتن به سلاح اتمی تشریح میکند و میگوید که ایران با داشتن منابع طبیعی عظیم هیچ دلیل منطقی غیر عسکری برای انکشاف مواد اتمی ندارد. خلیزاد در مورد این که ایرانی ها موفقانه دولت اوپاما را قانع ساخته اند که ایران از نظر مذهبی مخالف بم اتم است و فتوی خامنه ای را بر ضد آن مثال می آورند ؛ چنین مینویسد: " ادعای فتوی خامنه ای گنگ و مبهم است و میتواند تعبیر های مختلفی داشته باشد. اصلاً بر اساس دوکتورین مذهبی ایران ، آنها اجازه دارند تا دروغ بگویند و دشمنان را گمراه بسازند و اطمینان دروغین بدهند تا بتوانند دشمن را شکست بدهند. گذشته از آن هیچ مانع وجود ندارد که خامنه ای یا جانشین وی فتوی دیگری صادر نکنند. "

۲. خلیزاد نوشته است که این ادعا که این معاهده اتمی شرایطی را دربر دارد که ایران را حد اقل یکسال از ساختن سلاح اتمی دور میسازد از چند نظر ادعای نادرست است. اول اینکه این معاهده بر اساس معلومات رسمی تقدیم شده به منابع بین المللی ایران بنا شده است، و فعالیت های مخفی و تشکیلات مخفی ایران در این معامله حساب نشده است ، بناءً ایران میتواند به فعالیت هایش در تشکیلات غیر رسمی و مخفی دوام بدهد و هیچ تضمینی نیست که ایران را از ساختن بم اتمی متوقف بسازد. دوم اینکه معاهده بر اساسی بنا شده است که بر ایران اعتماد میشود که مسئولیت هایش را در قبال این معاهده با صداقت انجام بدهد که این یک توقع قابل سوال است. وی می افزاید که در هر حالت این معاهده به ایران اجازه میدهد که بعد از دهسال فعالیت وسیع اتمی را رسماً آغاز نماید.

۳. خلیزاد مینویسد، اعتبار بالای ایرانی ها که تقلب نکنند ناممکن است. خلیزاد می نویسد که قبول این فرضیه که ایرانی ها تفتیش های پیشنهاد شده در معاهده اتمی را مراعات کنند با در نظر داشت سابقه ایرانی ها در این مسئله و با در نظر داشت طرز تفتیش و مقررات پیشنهاد شده در این معاهده که تفتیش ها و تخلفات چگونه حل شوند و کدام مرجع و به چه ترتیب در مورد تخلفات تصمیم بگیرد، ثابت کردن تخلفات و جزا دادن ایران در مورد هر تخلف را ناممکن میسازد.

۴. خلیزاد مینویسد، در این معاهده اتمی فرض میشود که اگر ایران از معاهده اتمی تخلف کند تعزیرات اقتصادی که در اثر این معاهده لغو میشود بلافاصله دوباره بر ایران قرار داده میشود. که نه یک چنین چیزی ممکن به نظر می آید، و نه قدرت های دیگر آماده قرار دادن دوباره تعزیرات بر ایران خواهند بود و نه میکانیزم تعیین تخلفات و دوباره برقراری تعزیرات در معاهده به درستی تشریح شده است.

این معاهده ضعیف و عمدتاً غیر قابل اجرای اتمی از هر نظر که دیده شود موقف ستراتیژیک امریکا را در منطقه و در جهان ضعیف ساخته است و در مقابل پوتین و ایران را موقف قوی و برنده بخشیده است. یکی از اولین نشانه های این کامیابی روسیه و ایران و شکست اوپاما و جان کری سفر تورن جنرال قاسم سلیمانی قومندان قوای عملیات خارجی قدس ایران در هفته دوم ماه جولای به روسیه میباشد. تورن جنرال قاسم سلیمانی به تاریخ ۲۴ جولای با پوتین رئیس جمهور روسیه ملاقات کرده است که در آن "موضوعات منطقه" و تحویل راکت های زمین به هوای نوع S-۳۰۰ به ایران مورد مذاکره قرار گرفته است. این ملاقات نه تنها اینکه از نظر نقشه ها و عملیات مشترک ایران و روسیه در منطقه اهمیت دارد، بلکه یک نشانه بی اعتنائی آشکار روسیه و ایران بر تعزیرات بین المللی نیز میباشد. دلیل آن در این است که تورن جنرال قاسم سلیمانی از جمله آن رهبران عسکری ایران است که از سال ۲۰۰۷ به اینطرف در لست تعزیرات شورای امنیت ملل متحد شامل بوده است که بنا بر آن از سفر به ممالک خارج ممنوع گردیده است. اما دیده میشود که تورن جنرال قاسم سلیمانی به روسیه سفر کرد و نه ایران و نه روسیه ارزشی به این تعزیرات بین المللی قایل نشدند، خاصتاً که روسیه عضو شورای امنیت ملل متحد است و تعزیرات توسط شورای امنیت ملل متحد وضع شده بود. ایرانی ها از این هم پیشتر رفتند و تورن جنرال قاسم سلیمانی در توضیحاتش به تاریخ اول سپتامبر ۲۰۱۵ به مجلس خبرگان ایران، ادعای بلندتر کرد: " حجت الاسلام سید مجتبی طاهری به موسسه خبر تسنیم اظهار داشته است که جنرال سلیمانی به مجلس خبرگان ایران گفت که سقوط امریکا در منطقه بوقوع پیوسته است و وی عوامل این سقوط امریکا را تشریح کرده گفت که عمده ترین آن منطق قوی جمهوری اسلامی ایران بوده است".

بلند پروازی ها و ادعا های مغرورانه ایرانی ها محدود به تورن جنرال قاسم سلیمانی نماند ؛ اخیراً روحانی

رئیس جمهور ایران اولین صدا های مغرورانه قدرت منطقه ای بودن ایران را بلند کرد که بی بی سی چنین توضیح میدهد: "آقای روحانی، امروز پنجشنبه ۲ مهر و پیش از سفر به نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل، گفت: "امروز همه معترف هستند که اگر بخواهد با تروریسم مقابله واقعی شود تنها با همکاری ایران امکان پذیر است. اگر ایران و نیروهای مسلح ایران نبودند و اگر هدایت های مقام معظم رهبری نبود، امروز بغداد و عتبات عالیات به این صورت نبود و حتی مکه و مدینه نیز در اختیار تروریست ها بود."

از طرف دیگر پوتین قدم به قدم برای مقتدر ساختن دوباره روسیه و بازی کردن رول بزرگتر سیاسی، اقتصادی و عسکری روسیه در سطح بین المللی هوشیارانه، قدم به قدم و منظم به پیش می رود. روسیه در اول با نقشه های حساب شده بر جمهوری های سابق شوروی نفوذ و در جا های مناسب تسلط خود را افزایش و برقرار کرده است. تحت تسلط قرار دادن کریمیا توسط قوای عسکری روسیه بزرگترین قدم در این راه شمرده میشود. "ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه شخصاً رهبری عملیات اشغال شبه جزیره کریمیا را به عهده داشت. وی جزئیات این عملیات سریع را در یک فلم مستندی تشریح کرد که روز یکشنبه به نشر رسید." بر همه معلوم است که بعد از تجاوز روسیه به کریمیا اعتراضات بین المللی شدیدی بر ضد پوتین و روسیه بلند شد و حتی بایکات و تعزیرات شدیدی بر روسیه وضع شد: "بعد از غصب کریمیا در ماه مارچ ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا و امریکا تعزیرات شدیدی بر بانک های دولتی و کمپنی های روسی وضع کرده اند."

درج های از مقامات عالیرتبه روسی، قومندان های جدائی طلب یوکرین و کمپنی های روسی که نقض کننده حاکمیت ملی یوکرین شناخته شده اند در لست سیاه قرار داده شده اند. اما دیده میشود که پوتین نه تنها اینکه هیچ پشیمانی در غصب کریمیا نشان نداد بلکه شواهد و اسناد نشان میدهد که فعالانه از جدائی طلبان مناطق دیگر یوکرین طرفداری میکند و در اقصی نقاط جهان در رقابت به امریکا فعالیت قاطع و جسورانه میکند.



تانک ها و طیارات روسی در سوریه

آخرین کشت ستراتیژیکی روسیه به اوپاما و جان کری با همکاری ایران در سوریه با افزایش کمک های عسکری و ایجاد استحکامات عسکری جدید روسی در خاک سوریه آغاز شد که امریکا، منطقه و دنیا را حیران و وارخطا ساخت."

واشنگتن - یک مقام امریکائی اظهار داشت که قوای عسکری روسیه نیم درجن تانک را به یک میدان هوائی در سوریه انتقال داده اند که تا امروز این قوی ترین نشانی است که ماسکو در حال آمادگی برای این است که این قلعه ستراتیژیکی ساحلی را به یک مرکز جدید عسکری برای کمک به رئیس جمهور بشار الاسد مبدل کنند. " و هنوز سردرگمی این خبر در مطبوعات و حلقات عسکری-سیاسی و استخباراتی امریکا و غرب خاموش نه شده بود که پوتین کشت قوی تر دیگری را به اوپاما و جان کری داد که عبارت بود از اعلامیه مشترک عراق - ایران و روسیه در مورد موافقه در شریک ساختن معلومات استخباراتی با یکدیگر در مبارزه بر ضد داعش. مایکل گوردون در اخبار نیویارک

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

تایمز در این مورد چنین نوشته است: " برای دومین بار در ظرف همین یک ماه روسیه برای توسعه نفوذ سیاسی و عسکری خود در جنگ سوریه تحرکاتی انجام داد که امریکا را غافلگیر و ار خطا برای یافتن جواب و درک این حرکات ساخت. اینبار روسیه موافقه ای را اعلام کرد که بر اساس آن معلومات استخباراتی در مورد داعش را با عراق و ایران شریک میسازد "

امروز که دنیا کریمیا و یوکراین را تقریباً از یاد برده اند و همه با حیرت و یک تعداد با تحسین به طرف روسیه و پوتین می بینند و رئیس جمهور اوپاما بعد از آنهمه تقبیح پوتین قصد ملاقات با پوتین را دارد همه در نتیجه ستراتیژی هوشیارانه، قاطعانه و استفاده به موقع از شرایط منطقه ای و بین المللی توسط روسیه و پوتین از یک طرف و سیاست های نادرست، ضعیف و متردد اوپاما و جان کری از طرف یگر میباشد. پوتین مسائل را از نظر تاریخی و منافع ستراتیژیک دراز مدت روسیه تحلیل میکند و قاطعانه عمل میکند و از عملیات عسکری و سیاست و مذاکره و دیپلماسی استفاده قاطعانه و درست میکند. در حالیکه دیده میشود که اوپاما و جان کری منافع ستراتیژیک دراز مدت را در نظر ندارند و به نظر میرسد که پالیسی اوپاما و جان کری عمدتاً در یک جمله خلاص شده میتواند: خروج عساکر امریکا از تمام میدان های جنگ به هر قیمت و داخل نشدن در هیچ جنگ دیگر در دوره ریاست جمهوری اوپاما. در حالیکه از نظر سیاست بین المللی عملیات عسکری و مذاکرات و فعالیت های دیپلماتیک همیشه متمم یک دیگری بوده ، هستند و میباشند؛ هر دولت و سیاستمداری که یکی از این انواع پیشبرد سیاست خارجی و ستراتیژیک فوق را نادیده بگیرد یا همانند اوپاما صریحاً اعلان عدم تمایل به استفاده از یکی از وسایل متذکر نماید شکست آن دولت و سیاستمدار حتمی است. عجله خروج و اعلان صریح که علاقه به دوام مجادله از قبل اعلام شده در افغانستان و عراق را ندارند، و تردد و تزلزل در ستراتیژی مقابله با داعش، دلایل شکست سیاست اوپاما و جان کری در منطقه میباشد که میدان را برای پوتین و روسیه و ایران در سطح منطقه، و برای پاکستان در سطح افغانستان باز گذاشته است.

پای